

مشروعیت سفر برای زیارت قبور



مشروعیت سفر برای زیارت قبور

از جمله امور پسندیده و سنت جا افتاده نزد مسلمین حضور بر سر قبور اولیای خدا و زیارت قبور آنها می باشد که در این زمینه روایاتی نیز وارد شده است. در نیمه اول قرن هشتم، شخصی به نام «ابن تیمیه» ظاهر شد و زیارت قبور را نوعی بدعت دانست و سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر را نامشروع خواند. این عقیده هم اکنون نیز در میان وهابیت جاری است که در نوشتار حاضر درباره این عقیده وهابیان مطالبی بیان خواهد شد.

قرنهاست که مسلمانان جهان، طبق یک سیره حسنه و سنت پذیرفته شده و با پیروی از روایات وارده از پیامبر اسلام، بر سر قبور اولیای خدا و بزرگان دین حاضر می شوند و با ادای احترام نسبت به آنان، قبرشان را زیارت می کنند و از ارواح مقدسه آنها کسب فیض می نمایند و به یاد ارزشها و اصالتهایی می افتند که این بندگان خوب خدا، همواره منادی آن بوده اند.

با وجود این، در نیمه اول قرن هشتم، شخصی به نام «ابن تیمیه» ظاهر شد و زیارت قبور را نوعی بدعت دانست و با تمسک به مطالب سست و غیر مستند، به حرمت آن فتوا داد و سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبر را نامشروع خواند. (1)

واکنش علمای اسلام، از شیعه و سنی، در مقابل این عقیده ابن تیمیه که آن را به اسلام نسبت می داد، بسیار تند و سریع بود و علمای مذاهب اسلامی پس از مباحثات بسیاری که با او کردند، به بی اساس بودن ادعاهای وی پی برده، او را تکفیر نمودند. او به خاطر همین عقاید انحرافی به زندان افتاد و در سال 728 در قلعه ای در دمشق از دنیا رفت. (2)

علمای مذاهب، حتی حنبلی ها از ابن تیمیه - که خود را حنبلی می دانست - روی برگردانیدند و او را گمراه دانستند؛ مثلاً «یافعی» درباره او گفت:

«ابن تیمیه مسائل غریبی آورد که بر او انکار کردند و از قبیح ترین سخنان او این که او از زیارت قبر پیامبر نهی کرد.» (3)

ابن حجر عسقلانی نوشت:

«فقیه مالکی به کفر او حکم داد و در دمشق اعلام شد که هر کس عقیده ابن تیمیه را داشته باشد، خون و مال او حلال است.» (4)

البته در اینجا قصد نداریم داوریهای علمای اسلام را درباره ابن تیمیه نقل کنیم؛ چرا که در چنین حالتی از هدف اصلی دور می افتیم و آنچه آورده ایم، برای نمونه است.

هرچند پس از مرگ ابن تیمیه، بعضی از شاگردانش مانند ابن قیم الجوزیه و ابن کثیر شامی دنباله حرفهای او را گرفتند، اما بهرحال سخنان و عقاید آنان در جامعه اسلامی، جا نیفتاد و به بوته فراموشی سپرده شد تا این که در اوائل قرن سیزدهم، محمد بن عبدالوهاب از سرزمین حجاز حرفهای فراموش شده ابن تیمیه را تکرار کرد و پیروانی چند یافت که به «وهابی ها» شهرت یافته، حاکمان حجاز نیز از آنها حمایت کردند و جز خود، همه مسلمانان را مشرک و گمراه می دانند!

یکی از مطالب عمده ابن تیمیه و وهابی ها این است که آنها سفر برای زیارت قبور، حتی زیارت

قبر پیامبر اسلام را، نامشروع بلکه مساوی با شرک می دانند.
ابن تیمیه می گوید:

«در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده که پیامبر فرمود: «لا تشدّ الرحال الا الی ثلاثة؛ المسجد الحرام و المسجد الأقصى و مسجدی هذا»؛ «بار سفر بسته نشود مگر برای سه جا: مسجد الحرام، مسجد الأقصى و این مسجد من.»

اگر کسی برای سفر به قبر حضرت ابراهیم و یا قبر پیامبر اسلام نذر کند، وفا به این نذر واجب نیست؛ زیرا از سفر کردن به این محل ها نهی شده است. (5)

همچنین ابن تیمیه در منهاج السنه، با وارد ساختن تهمت های ناروا به شیعه، از این که شیعیان قبر پیامبر و اولیای خدا را زیارت می کنند، آنها را به یهود و نصاری تشبیه می کند و حتی شیعه را به خاطر این عمل، مشرک می داند و جالب این که به صورت «ان قیل» از خود می پرسد که تنها شیعه به زیارت قبور نمی رود بلکه بسیاری از اهل سنت هم چنین می کنند، پس چرا فقط شیعه را متهم می کنی؟ پاسخ می دهد:

«درست است که بسیاری از اهل سنت هم به زیارت قبور می روند، آنها هم کار حرام می کنند و گمراه هستند ولی گمراهی شیعه بیشتر است!» (6)

و بدینگونه خود ابن تیمیه اعتراف می کند که اکثریت مسلمانان از شیعه و سنی زیارت قبور اولیای خدا را مشروع می دانند و آن را انجام می دهند.

ابن تیمیه نه تنها سفر برای زیارت قبور را جایز نمی داند بلکه اساس زیارت قبور و از جمله زیارت قبر پیامبر اسلام را ولو برای ساکنین مدینه جایز نمی داند و روایاتی را که درباره زیارت قبر پیامبر وارد شده، رد می کند و آنها را ضعیف و جعلی می داند. (7)

اکنون ما مسأله زیارت قبور را تحت چند عنوان مورد بررسی قرار می دهیم:

1- استحباب زیارت قبور

2- استحباب زیارت خصوص قبر پیامبر و اولیای خدا.

3- سفر به آهنگ زیارت قبور.

4- بحث درباره حدیث (شدّ رحال).

البته ما در این بحثها هم به روایاتی که از طریق شیعه وارد شده، استناد خواهیم کرد و هم روایاتی را که از طریق اهل سنت است خواهیم آورد.

استحباب زیارت قبور

رفتن به زیارت قبور خویشان و نزدیکان و دوستان و آشنایان، یک امر عقلایی است و اقوام و ملل از دیرباز، این کار را انجام داده اند و در اسلام نیز ممنوع نشده و حتی چنانکه خواهیم دید، پیامبر خدا به زیارت قبور امر کرده است و بدیهی است که امر رسول خدا حداقل بر استحباب آن دلالت دارد. البته از روایات چنین فهمیده می شود که در آغاز اسلام، پیامبر مردم را از زیارت قبور منع کرد ولی بعدها ممنوعیت برداشته شد و پیامبر به آن امر فرمود.

شاید علت نهی قبلی این باشد که در آغاز اسلام مردگان غالباً مشرک و بت پرست بودند و پیامبر می خواست هرگونه رابطه میان مسلمانان و مشرکین قطع شود؛ بخصوص این که احتمال داشت مسلمانان بر سر قبور پدران مشرکشان سخنان باطلی را به زبان بیاورند اما بعدها که اسلام قوت گرفت و مبانی توحید محکم شد و مسلمانان با شرک و بت پرستی بگلی قطع رابطه کردند و مظاهر شرک از بین رفت، پیامبر به زیارت قبور امر کرد تا از منافع تربیتی آن بهره گیری شود.

اینک توجه خوانندگان محترم را به چند حدیث که از طریق شیعه و سنی وارد شده است جلب

می کنیم:

عن علی - علیه السلام - قال قال رسول الله - ص :- «نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها.» (8)
حضرت علی - علیه السلام - از پیامبر نقل می کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده
بودم، از این پس زیارت کنید.»

عن أبی عبد الله - علیه السلام - فی زیارة القبور قال: «انهم یأنسون بکم فاذا غبتم عنهم
استوحشوا.» (9)

امام صادق - علیه السلام - درباره زیارت قبور فرمود: «آنها با شما انس می گیرند و چون از پیش
آنها غایب شوید وحشت می کنند.»

عن بریده قال قال رسول الله - ص :- «قد کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانها
تذکر الآخرة.» (10)

بریده از پیامبر نقل می کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت
کنید که آخرت را به یاد شما می آورد.»

عن انس قال قال رسول الله - ص :- «کنت نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها فانها ترق القلوب و
تدمع العین و تذکر الآخرة و لاتقولوا هجرا.» (11)

انس از پیامبر خدا نقل می کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس
قبرها را زیارت کنید که قلب را نرم و چشم را گریان می کند و آخرت را به یاد می آورد اما سخن
بیهوده نگوئید.»

عن انس قال: قال رسول الله - ص :- «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فانها تذکرکم
الموت.» (12)

انس از پیامبر خدا نقل می کند که فرمود: «شما را از زیارت قبور نهی کردم، از این پس زیارت
کنید که آن مرگ را به یاد می آورد.»

این بود نمونه هایی از روایاتی که در کتب احادیث شیعه و سنی نقل شده و در آنها مردم به
زیارت قبور خوانده شده اند و بطوری که ملاحظه فرمودید، در بعضی از روایات، فوائد و منافع
برای زیارت قبور ذکر شده؛ از جمله این که قلب انسان را رقیق می کند و او را به یاد مرگ و روز
قیامت می اندازد و بدینگونه آثار تربیتی خاصی بر آن مترتب می شود که نمی توان از آنها صرف
نظر کرد.

بنابراین طبق روایاتی که خواندیم زیارت قبور عمل مستحبی است که شرع مقدس به آن دستور
داده است.

استحباب زیارت خصوص قبر پیامبر و اولیای خدا

هرچند که زیارت قبور مستحب است ولی زیارت قبر رسول خدا و حضرات معصومین - علیهم
السلام - از اولویت خاصی برخوردار است و بر استحباب آن تأکید بیشتری شده است؛ زیرا علاوه
بر روایاتی که در این خصوص وارد شده و بعضی از آنها را خواهیم آورد، آثار تربیتی زیارت قبور این
اولیای خدا بسیار زیاد است؛ زیرا زیارت آنها بزرگداشت کسانی است که عمری در طریق ایمان
و تقوا گام برداشته اند و در واقع زیارت آنها ارج نهادن به ایمان و تقوا و ارزشهای معنوی و ترویج
آن اوصافی است که در اولیای خدا وجود دارد.

و نیز زیارت قبور اولیای خدا نوعی اظهار محبت به کسانی است که محبت و دوست داشتن آنها
در شرع لازم و علامت ایمان دانسته شده است.

در خصوص زیارت قبر پیامبر خدا روایاتی وارد شده است که ما بعضی از آنها را می آوریم، برخی
از این روایات از طریق شیعه و برخی دیگر از طریق اهل سنت وارد شده است:

عن الصادق - علیه السلام - عن أبيه إن النبي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ: «من زارني حياً و ميتاً كنت له شفيعاً يوم القيامة.» (13)

امام صادق - ع - از پدرش و او از پیامبر - ص - نقل می کند که فرمود: «هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.»
قال اميرالمؤمنين - عليه السلام -: «اتموا برسول الله حجكم اذا خرجتم الى بيت الله فان تركه جفاء و بذلك أمتهم و اتموا بالقبور التي الزمكم الله - عزوجل - زيارتها و حقها و اطلبوا الرزق عندها.» (14)

اميرالمؤمنين - ع - فرمود: «وقتی به زیارت خانه خدا بیرون می روید حج خود را با پیامبر خدا به پایان برید؛ زیرا که ترک آن جفاست و به این امر شده اید و نیز حج خود را تمام کنید با قبرهایی که خداوند زیارت آنها و ادای حق آنها را بر شما لازم کرده است و نزد آنها طلب روزی کنید.»
عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: «و لو تركوا زيارة النبي لكان على الوالي ان يجبرهم على ذلك و على المقام عنده فان لم يكن لهم مال انفق عليهم من بيت مال المسلمين.» (15)
امام صادق فرمود: «اگر مردم زیارت پیامبر را ترک کنند بر عهده والی مسلمین است که مردم را به این کار مجبور کند و این که نزد قبر پیامبر باشند و اگر امکانات مالی نداشتند والی از بیت المال مسلمانها هزینه آنها را می پردازد.»

این سه روایت که آوردیم از طریق شیعه بود، اکنون روایاتی را از طریق اهل سنت می آوریم:
عن عبدالله بن عمر قال قال رسول الله: «من زار قبري وجبت له شفاعتي.» (16)
پیامبر فرمود: «هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود.»
عن حاطب بن أبي بلتعه قال قال رسوالله: «من زارني بعد موتي فكأنما زارني في حياتي.» (17)

پیامبر خدا فرمود: «هر کس مرا پس از مرگم زیارت کند، مانند این است که در حال حیاتم زیارت کرده است.»

عن انس بن مالك عن النبي قال: «من زارني بالمدينة محتسباً كنت له شفيعاً.» (18)
پیامبر خدا فرمود: «هر کس مرا به قصد قربت در مدینه زیارت کند، شفیع او خواهم بود.»
از اینگونه روایات در فضیلت زیارت قبر پیامبر و قبور اولیای خدا در کتب شیعه و سنی بسیار است و ما فقط نمونه هایی از آن را آوردیم.

مرحوم علامه امینی در همین مورد روایات بسیاری با سندهای مختلف و از کتب متعدد اهل سنت نقل کرده، همچنین ایشان فراهایی از سخنان دانشمندان اهل سنت را، از مذاهب مختلف، درباره فضیلت و آداب زیارت قبر پیامبر نقل کرده است. کسانی که تفصیل بیشتری می خواهند به آنجا مراجعه کنند. (19)

بعضی از علمای اهل سنت در این باره کتابهای مستقلی نوشته اند که از جمله آنهاست کتاب «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» از تقی الدین سبکی که در مصر چاپ شده است.

سفر به آهنگ زیارت قبور

باتوجه به این که به زیارت قبور امر شده و زیارت قبور مؤمنین؛ بخصوص قبر پیامبر و اولیای الهی مستحب است، بدون شک سفر برای انجام چنین کاری نیز مستحب خواهد بود. زیرا همانگونه که سفر برای انجام حج واجب است، سفر برای انجام یک عمل مستحبی نیز از باب مقدمه عمل، مستحب خواهد بود.

وقتی رفتن به زیارت قبور، طبق احادیث صحیح، مشروع و مستحب باشد، چه فرقی می کند که انسان از خانه خود به قصد زیارت قبوری که در شهر خود اوست خارج شود و یا از شهری دیگر

به قصد زیارت قبوری که در شهری دیگر است سفر کند؟ به هر حال مسافتی را برای این منظور طی می کند حال این مسافت کم باشد یا زیاد، تفاوتی نمی کند و در هر دو صورت رفتن به قصد زیارت است.

دیگر این که خداوند در قرآن کریم به اهل معصیت از مؤمنان دستور می دهد که خدمت پیامبر بروند و از آن حضرت بخواهند که از خدا برای آنها طلب مغفرت کند. (20) در چنین صورتی امید است که خدا آنها را ببخشد. می دانیم که زنده و مرده پیامبر تفاوت نمی کند و طبق روایات، پیامبر پس از مرگش هم به امت خود دعا می کند و ناظر اعمال آنهاست.

عن عبدالله بن مسعود قال قال رسول الله - ص -: «حیاتی خیر لکم تحدثون و تحدث لکم و وفاتی خیر لکم تعرض علیّ أعمالکم فما رأیت من خیر حمدت الله علیه و ما رأیت من شرّ استغفرت الله لکم.» (21)

پیامبر فرمود: «زندگی من برای شما خیر است که با هم سخن می گوئیم و مرگ من نیز برای شما خیر است که اعمال شما بر من عرضه می شود، اگر عمل خیری دیدم بخاطر آن خدا را سپاس می گویم و اگر عمل بدی دیدم از خدا برای شما طلب مغفرت می کنم.»

بنابراین می توان گفت: مسافرت برای زیارت قبر پیامبر، همانند مسافرت برای دیدن پیامبر در زمان حیات آن حضرت است.

از همه اینها گذشته طبق روایات بسیاری که در دست داریم، شخص پیامبر به خاطر زیارت قبور شهدای احد به آنجا سفر کرده و نیز بعضی از اصحاب رسول خدا برای زیارت قبور مسافرتها کرده اند و یا همدیگر را به سفر برای زیارت قبر پیامبر دعوت نموده اند و اینهمه می رساند که سفر برای زیارت قبور مشروع و مطلوب بوده و سیره مسلمانان از عهد رسول الله و صحابه و تابعین به این طرف بر آن جاری بوده است. اکنون روایاتی را که مطالب یاد شده را در بر گرفته با هم می خوانیم:

عن أبي هريرة قال قال رسول الله - ص - حين مرّ على شهداء أحد: «أشهد أنّ هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة فأتوهم و زورهم و الذی نفسی بیده لایسلم علیهم احد الی یوم القيامة الا ردوا علیه.» (22)

ابو هریره می گوید: پیامبر خدا هنگامی که از کنار شهدای احد عبور می کرد فرمود: «گواهی می دهم که اینها در روز قیامت نزد خداوند شهدا هستند پس به سوی آنها بیایید و آنها را زیارت کنید. قسم به خدایی که جانم در دست اوست تا روز قیامت هیچکس به آنها سلام نمی دهد مگر این که آنها جواب سلام او را می دهند.»

عن طلحة بن عبیدالله قال: «خرجنا مع رسول الله یرید قبور الشهداء فلما جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور اخواننا.» (23)

طلحة بن عبیدالله می گوید: «با پیامبر خدا بیرون رفتیم و آن حضرت قبور شهدای احد را اراده کرده بود. وقتی نزد قبرهای شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست.» (منظور از قبور شهدا در اینجا، قبور شهدای احد است که چند کیلومتر با مدینه فاصله دارد.)

علی بن الحسین عن أبيه قال: «كانت فاطمة تزور قبر عمّها حمزة فی کلّ جمعة فتصلّی و تبکی عنده.» (24)

علی بن الحسین از پدرش نقل می کند که: «فاطمه هر روز جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می رفت و در آنجا نماز می خواند و گریه می کرد.»

عن شهر بن حوشب قال: «لما اسلم كعب الأحبار عند عمر و هو فی بیت المقدس فرح عمر باسلام كعب الأحبار ثم قال: هل لك ان تسیر معی الی المدینة فتزور قبر النبی و تمتع بزیارته؟ قال: نعم یا امیر المؤمنین انا افعل ذلك.» (25)

ابن حوشب می گوید: «چون کعب الأحبار پیش عمر مسلمان شد و او در آن موقع در بیت المقدس بود، عمر از اسلام آوردن کعب الأحبار خوشحال شد و به او گفت: آیا می توانی با من به مدینه بیایی تا قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت قبر او لذت ببری؟ گفت: آری یا امیرالمؤمنین چنین خواهم کرد.»

عن أبي الدرداء: «ان بلالا رأى فى منامه النبى - ص - و هو يقول له: ما هذه الجفوة يا بلال؟ اما ان تزورنى يا بلال؟ فانتهبه حزينا و جلاً خائفا فركب راحلته و قصد المدينة و اتى قبر النبى فجعل يبكى عنده و يمرغ وجهه عليه.» (26)

ابودرداء می گوید: «بلال پیامبر را در خواب دید که به او می گوید: «این چه جفایی است ای بلال آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد، در حالی که محزون و غمگین بود پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و به قبر پیامبر آمد، آنجا گریه می کرد و صورت خود را با خاک قبر، خاک مالی می نمود.»

با توجه به این روایات که به عنوان نمونه نقل شد، به خوبی روشن می شود که سفر به آهنگ زیارت قبور در عصر پیامبر و صحابه یک سنت جاری بوده و کسی در مشروعیت آن تردید نداشته است و از آن زمان به بعد هم سیره مسلمین از هر فرقه و مذهبی بر آن جاری بوده و مسلمانان برای زیارت قبر پیامبر و اولیای خدا از اطراف و اکناف بلاد اسلامی مسافرت می کردند.

تنها چیزی که ابن تیمیه و پیروان او دستاویز خود کرده و سفر برای زیارت را غیر مشروع قلمداد کرده اند، احادیث معروف به «شد رحال» است که به صورتهای مختلفی نقل شده است و بطوری که خواهیم دید، این احادیث به هیچ وجه دلالتی بر منظور آنها ندارد و به کلی از مسأله زیارت قبور بیگانه است.

این حدیث با سه تعبیر در کتب اهل سنت و با یک تعبیر در کتب حدیثی شیعه نقل شده که عبارتند از:

قال رسول الله: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد؛ مسجدى هذا و مسجدالحرام و المسجد الأقصى.»

پیامبر فرمود: «بار سفر بسته نمی شود مگر برای سه مسجد؛ مسجد من، مسجدالحرام و مسجدالاقصى.»

قال رسول الله: «انما يسافر الى ثلاثة مساجد؛ مسجدى هذا و مسجدالحرام و المسجد الأقصى.»

پیامبر فرمود: «همانا مسافرت می شود به سوى سه مسجد؛ مسجد من و مسجدالحرام و مسجدالاقصى.»

قال رسول الله: «تشد الرحال الى ثلاثة مساجد؛ مسجدى هذا و مسجدالحرام و المسجد الأقصى.» (27)

پیامبر فرمود: بار سفر برای سه مسجد بسته می شود؛ مسجد من و مسجدالحرام و مسجدالاقصى.»

عن على بن ابيطالب قال: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد؛ المسجدالحرام و مسجدالرسول و مسجدالكوفة.» (28)

علی علیه السلام فرمود: «بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد؛ مسجدالحرام و مسجد پیامبر و مسجد کوفه.»

ابن تیمیه گمان کرده است که پیامبر در این حدیث از مسافرت به غیر مساجد سه گانه یاد شده، نهی کرده و در نتیجه از سفر برای زیارت قبور هم نهی نموده است. در حالی که دقت در مضمون این احادیث به روشنی نشان می دهد که این احادیث به هیچ وجه در مقام نهی از

مسافرت به غیر مساجد مزبور نیست بلکه در مقام بیان فضیلت و برتری آن مساجد بر مساجد دیگر است و این که ثواب نماز خواندن در آن مساجد به حدی است که ارزش آن را دارد که انسان رنج سفر را برای خود هموار سازد و به خاطر کسب فضیلت نماز در آن مساجد مسافرت کند.

اساسا اگر برداشت ابن تیمیه از این احادیث درست باشد، سفر برای کسب علم و یا سفر برای جهاد و یا سیر در زمین نیز حرام و بدعت خواهد بود در صورتی که او نمی تواند چنین مطلب باطلی را ملتزم شود. بنابراین چون سفر برای امور مادی و معنوی، امری مشروع است و بعضی از سفرها حتی واجب و یا مستحب می باشد، بدون شک این احادیث در مقام انشای حکم و امر و نهی نیست بلکه چنانکه گفتیم در مقام بیان فضیلت این مساجد است. دیگر این که خود پیامبر گاهی برای ادای نماز به مسجد قبا مسافرت می کرد(29) در حالی که مسجد قبا یکی از آن مساجد مذکور در روایت نیست.

پی نوشت:

1 - البته ابن تیمیه خود را از پیروان حنابله می داند، در حالی که حنابله به زیارت قبور می رفتند و به آن اعتقاد داشتند، تا جایی که شیخ مفید نقل می کند که به ما (امامیه) ایراد می گیرند که شما هم حنبلی شده اید، زیرا حنبلی ها هم به زیارت قبور می روند و نزد قبور اعتکاف می کنند شما امامیه هم همین کار را انجام دادید، سپس شیخ مفید پاسخ می دهد که اگر چیزی را حنابله انجام دادند، الزاما کار خلاف نیست. رجوع شود به: الفصول المختار، ص 128.

2 - ابن کثیر شامی، البدایة و النهایه، ج 14، ص 138.

3 - یافعی، مرآة الجنان، ج 4، ص 277.

4 - ابن حجر، الدرر الكامنة، ج 1، ص 154.

5 - الرسائل الكبرى، ج 2، ص 57.

6 - منهاج السنه، ج 1، ص 132.

7 - الرسائل الكبرى، ج 2، ص 65.

8 - وسائل الشیعه، ج 1، ص 149.

9 - همان، ج 2، ص 3462.

10 - سنن ترمذی، ج 3، ص 370.

11 - کنز العمال، ج 15، ص 646.

12 - حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 1، ص 375.

13 - بحار الانوار، ج 100، ص 139.

14 - همان، ص 139.

15 - وسائل الشیعه، ج 8، ص 16.

16 - سنن دار قطنی، ج 2، ص 278.

17 - همان.

18 - شوکانی، نیل الأوطار، ج 4، ص 326.

19 - امینی، الغدیر، ج 5، ص 109 به بعد.

20 - نساء: آیه 64.

21 - مجمع الزوائد، ج 9، ص 24.

22 - المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 248.

23 - سنن ابی داود، ج 1، ص 319.

24 - سنن بیهقی، ج 4، ص 78.

- 25 - واقدی، فتوح الشام، ج 1، ص 244.
- 26 - تهذیب تاریخ دمشق، ج 2، ص 259.
- 27 - هر سه تعبیر در: صحیح مسلم، ج 4، ص 126.
- 28 - وسائل الشیعه، ج 3، ص 525 و بحارالانوار، ج 99، ص 379 به نقل از کتاب «الخصال» شیخ صدوق.
- 29 - صحیح بخاری، ج 2، ص 137.